خبر

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح:

کیفیت و کمیت تولیدات دفاعی بالاتر از قبل از جنگ است

تمام تولیدات دفاعی کشور هم از لحاظ کمیت و هم از نظر کیفیت بهتر و بالاتر از قبل جنگ تحمیلی ۱۲ روزه است.

به گزارش ایرنا، امیر سرتیپ خلبان عزیز نصیرزاده، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی و ارزیابی نحوه اجرای سال نخست قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران گفت: در زمان‌های مختلف در کمیسیون امنیت ملی حضور پیدا کرده‌ام و درباره پیشبرد اهداف دفاعی گزارشی را به نمایندگان در کمیسیون ارائه داده‌ام و در اینجا هم به همه نمایندگان و ملت ایران می‌گویم که تمام تولیدات دفاعی کشور هم اکنون هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت بالاتر از قبل از جنگ ۱۲ روزه است که باعث خوشحالی همه ملت ایران می‌شود و نگرانی‌ای در این راستا وجود ندارد.

یادداشت

حمیدرضا شاه‌نظری

جنگ ۱۲ روزه سکوی جهش قدرت ایران بود

تهاجم ۱۲ روزه امریکا و غرب علیه ایران با همه تلخی‌هایش یک میدان واقعی بود که نشان داد شعار «ما می‌توانیم» در عرصه‌هایی که جدی گرفته شده چه تأثیرات عمیقی گذاشته است، به طوری که امروز نه از رسانه‌های ایرانی، بلکه از زبان تحلیلگران غربی تکرار می‌شود که ایران قوی‌تر از همیشه است.

در این دفاع مقدس جهان شاهد یک معادله شگفت‌انگیز بود، در حالی که دستگاه تبلیغاتی غرب، پیروزی رژیم صهیونیستی را نوید می‌داد، موشک‌های ایرانی، اسطوره شکست‌ناپذیری این رژیم را در هم کوبید و این فقط یک پیروزی نظامی در برابر نیروی نیابتی غرب و امریکا نبود، بلکه نماد شکست کامل راهبرد «فشار حداکثری» غرب علیه ملتی مقاوم بود. پاتریک کلاوسون، پژوهشگر ارشد انستیتو واشینگتن، در مقاله اخیرش بی‌آنکه قصد تمجید از ایران را داشته باشد عملاً به این واقعیت اذعان می‌کند که تهران از دل جنگ نه با ضعف، بلکه با اعتمادبه‌نفسی تازه بیرون آمده است. وی با حیرت می‌نویسد: «به نظر نمی‌رسد رهبران ایران، برخلاف مردم، نگران آسیب‌پذیری کشور باشند. آنها بر این باورند که ابزار کافی برای پاسخ را در اختیار دارند.» این جمله، کلید فهم تحولی است که غرب از درک کامل آن عاجز مانده است، تولد «ایران قوی». او می‌نویسد: «رفتار ایران مانند کشوری نیست که بخواهد از حملات بعدی جلوگیری کند. برعکس، نسبت به موقعیت راهبردی خود بسیار مطمئن است.» این جمله، ترجمان همان نگاهی است که رهبر انقلاب اسلامی سال‌هاست تکرار می‌کنند: «قوی شدن کشور». رهبر حکیم انقلاب در بیانات مهر امسال، قدرت را نه در میز مذاکره بلکه در توان ملی، علمی، نظامی و سازمانی کشور تعریف کردند و فرمودند: «اگر شما با طرف مقابل مذاکره کنید و آنچه را او می‌خواهد قبول کنید، این تسلیم و ضعف کشور است. راه علاج پیشرفت کشور، قوی شدن است، قوی شدنِ نظامی، علمی، ساختاری و سازمانی.»

در منطق امریکا، ایران باید پس از فشارهای اقتصادی و نظامی اخیر دچار فرسایش اراده می‌شد، اما آنچه رخ داد، دقیقاً برعکس بود. تهران با بازسازی سریع زیرساخت‌های موشکی و احیای خطوط تولید آن و احیا و تقویت قدرت پدافندی، نشان داد که نه تنها فشارها را تاب آورده، بلکه آنها را به سکوی جهش قدرت خود تبدیل کرده است.

کلاوسون در مقاله خود سعی دارد با واکاوی سخنان رهبر معظم انقلاب، نشانه‌ای از تردید یا ضعف بیابد، اما ناخواسته به تصویری بزرگ‌تر اعتراف می‌کند: «تهران از ضربات نظامی اخیر مرعوب نشده است». این اعتراف، طنین صدای دیگر تحلیلگران غربی است که دیوار تحریم و تهدید را در برابر اراده آهنین ایران، بی‌اثر می‌بینند. کلاوسون اذعان دارد که «در اظهارات مقامات ایرانی، برنامه موشکی به اندازه برنامه هسته‌ای برجسته شده است». این همان دگرگونی بنیادینی است که رهبر انقلاب آن را بارها گوشزد کرده‌اند که بازدارندگی نه در سایه اطمینان به دشمن، بلکه در گرو تکیه بر توان درونی است. به بیان دیگر، ایران قوی حاصل اتکا به خود است، نه اتکای به میز مذاکره.

همین تأکید کلاوسون و امثال او که این روزها به کرات شنیده شده، پایه یک روایت تازه از قدرت ایران است. قدرتی که دیگر تنها در چارچوب سخت تعریف نمی‌شود، بلکه به صورت نرم در ذهن دشمنان نیز رسوخ کرده است و همان‌طور که تحلیلگران غربی اذعان می‌کنند، واشنگتن باید هر تصمیمی را با در نظر گرفتن «احتمال پاسخ مستقیم ایران» اتخاذ کند. این یعنی تغییر بنیادین در محاسبات قدرت طرف مقابل. پس از حماسه اخیر، غربی‌ها و امریکایی‌ها به خوبی می‌دانند که دوران ایران آسیب‌پذیر به پایان رسیده است و اکنون اتخاذ هر تصمیم در واشنگتن و تل‌آویو باید با این جمله آغاز شود، اگر ایران پاسخ پشیمان کننده دهد چه؟ کلاوسون هشدار می‌دهد که ایران در پی «توافق پایدار» با امریکا نیست، زیرا خود را در موقعیت برتر می‌بیند. او به صراحت می‌نویسد: «تهران به جست‌وجوی راه‌های تهاجمی برای به چالش کشیدن منافع امریکا ادامه می‌دهد.» و این اعتراف به درستی راهبردی است که رهبر انقلاب بارها گفته‌اند، وقتی ملتی قوی شود، دیگر تحقیر نمی‌شود و اینک، ایران در همین نقطه ایستاده است، قوی، مستقل و غیرقابل تحمیل.

امروز تحلیلگران غربی از «بازگشت اعتمادبه‌نفس ایران» سخن می‌گویند، اما واقعیت فراتر از این است. ایران به پشتوانه حضور مردم و فرزندان غیورش و توفیق الهی نه فقط اعتمادبه‌نفس دارد، بلکه اعتمادبه‌نفس‌سازی را به راهبرد دائمی خود تبدیل کرده است و قدرت موشکی، فناوری بومی، و توان بازدارندگی هوشمند، همگی جلوه‌هایی از همان گفتمان‌اند که رهبر انقلاب سال‌ها پیش ترسیم کردند: «ملت ایران باید به مرحله‌ای برسد که دشمن حتی جرئت تهدید هم نداشته باشد.» در این میان، معنای «قوی شدن» تنها در عرصه نظامی خلاصه نمی‌شود و رهبر انقلاب این مفهوم را به سطحی بالاتر ارتقا داده‌اند، قدرت فرهنگی، علمی، اقتصادی و ساختاری. ایشان تأکید کرده‌اند که «قوی شدن یعنی مقاوم‌سازی کشور در برابر تکانه‌های بیرونی»، یعنی تبدیل ملت به نیرویی که هر ضربه‌ای را به فرصتی برای رشد بدل کند. همین نگاه است که در عمل، تحریم‌ها را بی‌اثر کرده و ایران را به سدی محکم در برابر توسعه‌طلبی سلطه‌جویانه و استعماری غربی‌ها و صهیونیست‌ها بدل کرده است.

این روزها با همت جوانان ملت ایران، بحث «ایران قوی» از مرزهای نظری گذشته و به یک واقعیت راهبردی تبدیل شده است. این استراتژی، بنیان‌های قدرت غرب را نه در واشینگتن و بروکسل، که در اراده ملتی تعریف می‌کند که در سایه رهبری حکیم، آموخته است که می‌توان در سخت‌ترین شرایط با مقاومت و قوی شدن، بر قله‌های پیشرفت و عزت ایستاد. اکنون امریکا و متحدانش در برابر یک انتخاب تاریخی قرار دارند، ادامه دادن بر مسیر شکست‌خورده فشار و خصومت، که تنها به قوی‌تر شدن ایران می‌انجامد، یا پذیرش واقعیت یک قدرت شکست‌ناپذیر در غرب آسیا. امروز ایران قوی، نه یک آرزو، که یک سرنوشت اجتناب‌ناپذیر است و غربی‌ها، هرچقدر هم دشمنی ورزند، سرانجام در برابر آن دوباره زانو خواهند زد.

خبر فوری

لاریجانی در مراسم اختتامیه همایش «ما و غرب؛ در آرا و اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای»:

مقابل امریکا می‌ایستیم حتی به قیمت رویارویی

غرب مذاکره را برای تسلیم می‌خواهد نه مصالحه عادلانه

امروز غرب به جای دانایی از قدرت دم می‌زند، در حالی که ایران از فکر هویت ملی و استقلال واقعی سخن می‌گوید. ایران نه سلطه‌طلب است و نه استقلال خود را در معرض معامله قرار می‌دهد، حتی اگر به رویارویی تمام‌عیار بینجامد، با قدرت در برابر وحشیگری مدرن خواهد ایستاد.

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی روز گذشته در مراسم اختتامیه همایش «ما و غرب؛ در آرا و اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» تأکید کرد: زمانی غرب مدعی بود که بر علم و آزادی اندیشه تکیه دارد، اما نتیجه آن، دو جنگ جهانی بود. امروز هم مسیر خود را آشکارتر کرده و مناسبات جهانی را به قدرت گره زده است. لاریجانی با اشاره به گفتاری از سعدی شاعر پرآوازه ایرانی، مبنی بر اینکه «رأی بی‌قوت مکر و فسون است و قوت بی‌رأی جهل و جنون»، گفت: امروز جهان وارد عصر جهل و جنون شده است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی در ادامه روابط ایران و غرب را در یک تقسیم‌بندی کلی به پنج دوره تاریخی تقسیم کرد و گفت: دوره نخست، دوره باستان است؛ زمانی که ایران با حکومت‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی اداره می‌شد و از تمدنی نیرومند برخوردار بود. در آن‌سوی جهان نیز غرب، تمدن‌های یونان و روم را داشت که از جنبه‌هایی قابل توجه بودند. این دو قطب بزرگ تمدنی، کانون‌های اصلی قدرت جهانی محسوب می‌شدند. از آنجا که ایران در آن دوران از اقتدار سیاسی و نظامی عظیمی برخوردار بود، غرب هیچ‌گاه نتوانست بر ایران تسلط یابد. هرچند جنگ‌هایی میان دو طرف رخ داد، اما هیچ‌کدام منجر به سلطه پایدار غرب بر ایران نشد. وی با اشاره به تعاملات فکری و فرهنگی دو تمدن ایران و غرب، گفت: در دوره هخامنشی، میان ایران و یونان باستان هم تعامل و هم برخورد نظامی وجود داشت. برخی مورخان معتقدند اندیشه‌های ایرانی و دینی از طریق هگمتانه به سوی یونان منتقل شد. افلاطون در آثار خود از امپراتوری ایران یاد کرده و گاه آن را ستوده و گاه بر آن ایراد گرفته است. بنابراین، روشن است که میان متفکران یونانی و دربار ایران ارتباطاتی وجود داشته است.

لاریجانی در بخش دیگری از سخنان خود به بررسی سیر تاریخی روابط ایران و غرب از دوران ساسانی تا صفویه پرداخت و گفت: دو قدرت بزرگ؛ صفوی و بیزانس در دو سوی جهان دارای تمدن بودند و با یکدیگر رقابت داشتند. در ابتدای حکومت ساسانیان، چندین جنگ میان ایران و بیزانس درگرفت که اغلب بر سر مناطقی مانند ارمنستان، بین‌النهرین و شام بود. امپراتوری‌های ساسانی و بیزانس یکدیگر را به‌عنوان دو قدرت هم‌سنگ به رسمیت می‌شناختند و میان آنها گاه پیمان‌های صلحی بسته می‌شد که چند دهه دوام داشت. رقابت دو امپراتوری تنها نظامی نبود، بلکه در حوزه تجارت نیز وجود داشت؛ هر دو می‌کوشیدند مسیرهای تجاری شرق به غرب را تحت کنترل بگیرند، مشابه آنچه امروز به‌عنوان جنگ کریدورها مطرح است.

رضا دهشیری|جوان

■ صفویه منزلت ایران را به جایگاه یک امپراتوری بازگرداند

دبیر شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: با طلوع اسلام، هر دو امپراتوری تحت تأثیر این تحول بزرگ قرار گرفتند. نکته مهم در این دوران آن بود که ایران، با وجود رقابت و درگیری با غرب، همواره استقلال خود را حفظ کرد؛ نظام حکومتی ساسانیان نظامی قوی و منسجم داشت و پیوند آن با مذهب زرتشت موجب تداوم اقتدار و انسجام اجتماعی می‌شد. لاریجانی همچنین به دوره صفویه اشاره کرد و گفت: در قرن شانزدهم میلادی و هم‌زمان با تحولات فکری و علمی در غرب، ایران در دوره صفویه وارد مرحله‌ای تازه شد. صفویه توانست منزلت ایران را بار دیگر به جایگاه یک امپراتوری بزرگ بازگرداند؛ امپراتوری‌ای که این بار بر پایه حضور دانشمندان، علما و اندیشمندان استوار بود. قدرت در این دوره با علم و دانش همراه شد و شاه عباس صفوی با اکرام دانشمندان، بنیان فکری و علمی حکومت خود را تقویت کرد. ایران عصر صفوی با وجود مجاورت با امپراتوری عثمانی، به‌واسطه سه ویژگی کاملاً مستقل زیست: نخست، اتکای آن به علم و دانش؛ دوم، پیوند حکومت با تفکر دینی و آرای علمای دین که رابطه‌ای مستحکم میان حکومت و مردم برقرار می‌کرد؛ و سوم، اقتدار نظامی. این سه عامل موجب شد ایران در دوره صفویه، امپراتوری‌ای مقتدر و هم‌تراز با غرب باشد؛ امپراتوری‌ای که قدرت خود را از علم و ایمان می‌گرفت.

■ استبداد قاجار و پهلوی، ایران را تضعیف کرد

لاریجانی ادامه داد: در دوره قاجار نفوذ انگلستان و روسیه در امور داخلی ایران افزایش یافت و قراردادهایی مانند گلستان و ترکمانچای و امتیازاتی همچون توتون و تنباکو نشانه نگاه سلطه‌طلبانه غرب نسبت به ایران بود. استبداد، بی‌توجهی به علم و رشد اقتصادی، قاجار را در برابر توسعه پرشتاب غرب دچار ضعف کرد. در این دوره شاهان قاجار با سفرهای پرهزینه به اروپا تحت تأثیر ظواهر غرب قرار گرفتند و ضعف نظامی آنان موجب فرودستی ایران شد. دبیر شورای عالی امنیت ملی اظهار داشت: در دوران پهلوی، تسلط امریکا و انگلیس بر دربار، نیروهای مسلح و ساختار کشور علنی‌تر شد و کودتای ۲۸ مرداد نماد آشکار این دخالت بود. اگر در دوره قاجار استبداد و عقب‌ماندگی حاکم بود، در دوره پهلوی استبداد وابسته به غرب جایگزین شد. ایران پهلوی به‌طور کامل از غرب تبعیت می‌کرد و استقلالی نداشت.

■ انقلاب اسلامی واکنشی به استبداد وابسته پهلوی بود

لاریجانی در ادامه با بیان اینکه «دوران پهلوی از سیاه‌ترین دوران‌های وابستگی در تاریخ ایران است»، گفت: یکی از دلایل اصلی وقوع انقلاب اسلامی، تحقیرشدگی ملت ایران توسط غرب بود. مردمی با پیشینه تمدنی و فرهنگی غنی نمی‌توانستند پذیرای حکومتی باشند که در برابر چند سفیر غربی خضوع می‌کرد. وی با اشاره به تغییرات بنیادین پس از انقلاب اسلامی افزود: ایران در عصر انقلاب، جهت خود را تغییر داد و نسبت خود با غرب را بر پایه عقلانیت و سنجش تنظیم کرد. رهبران انقلاب همچون امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب و بزرگانی چون شهید مطهری و شهید بهشتی، با نگاهی فلسفی و عقل‌گرایانه، چارچوبی برای تعامل متوازن با غرب ترسیم کردند. در چهار دهه گذشته، اساتید و دانشمندان ایرانی با مراکز علمی غربی در ارتباط بوده‌اند و این مسیر، همواره مورد تأکید رهبران انقلاب هم بوده است. هرچند غرب در مقاطعی مانند دوران جنگ تحمیلی، مسئله هسته‌ای و حقوق بشر محدودیت‌هایی برای ایران ایجاد کرده است، اما انقلاب اسلامی توانسته است با رویکردی مستقل و واقع‌بینانه، تعامل خود را با غرب در چارچوب منافع ملی سامان دهد.

لاریجانی در بخش دیگری از سخنان خود بیان کرد: با وجود تمام فراز و فرودها، مبنای سیاست جمهوری اسلامی ایران قطع رابطه تجاری با غرب نبوده، بلکه معیار اصلی، حفظ و رعایت منافع ملی کشور بوده است. به همین دلیل، ضمن گسترش روابط اقتصادی با کشورهای اسلامی و همسایگان، همکاری‌های تجاری با کشورهای غربی نیز ادامه یافته، هرچند میزان آن بسته به شرایط سیاسی و امنیتی متغیر بوده است. رهبران جمهوری اسلامی هیچ‌گاه عناد و دشمنی ذاتی با غرب نداشتند، اما رفتار سلطه‌جویانه و مداخلات سیاسی و امنیتی غرب، موجب بحران در همکاری‌ها و کاهش سطح روابط شده است. لاریجانی با اشاره به رفتار دوگانه غرب پس از پیروزی انقلاب گفت: وقتی غرب به جای احترام به انقلاب اسلامی، دوباره به دنبال مسئله‌سازی و بحران‌آفرینی داخلی و خارجی برای ایران رفت، ملت ایران را به عکس‌العمل واداشت. وی اظهار داشت: گاه در داخل کشور شنیده می‌شود که چرا مقام معظم رهبری نسبت به امریکا و غرب هشدار می‌دهند اما دلیل این هشدارها تسلط‌طلبی غرب است. در حالی که رهبری چه در حوزه اقتصادی و چه در تعاملات علمی، همواره موافق کار و ارتباط با غرب و شرق بوده‌اند، اما هنگامی که امریکا از مسیر اقتصاد، فرهنگ و در نهایت قدرت نظامی، همان‌گونه که در جنگ اخیر آشکار شد، به دنبال استیلا بر ایران رفت، رهبری با قدرت در برابر این حرکت رذیلانه ایستادند و ملت ایران نیز با استواری در کنار ایشان از استقلال کشور صیانت کردند.

■ توان موشکی ایران ربطی به غرب ندارد

وی با تأکید بر اینکه مسئله هسته‌ای بهانه‌ای بیش نبود، گفت: امروز کاملاً روشن است که هدف واقعی امریکا و غرب، مبارزه با ملت ایران است. همان‌گونه که پس از جنگ اخیر نیز درباره توان موشکی و نقش منطقه‌ای ایران خواستار محدودیت‌هایی می‌شوند؛ در حالی که این موضوع به آنان ارتباطی ندارد. آیا آنان می‌پذیرند که ایران درباره برد موشک‌ها یا سلاح‌های هسته‌ای اروپا نظر دهد؟ اینجاست که دو مسیر از هم جدا می‌شود؛ یکی مسیری که دنبال سلطه و برتری‌طلبی بر شرق و سایر ملل است و دیگری راهی که بر پایه روابط متوازن و عزتمندانه شکل می‌گیرد. ایران نه سلطه‌جو است و نه زیر بار سخنان بی‌پایه می‌رود. دبیر شورای عالی امنیت ملی در ادامه به تبادلات فرهنگی با غرب و شرق پس از انقلاب اشاره کرد و گفت: انقلاب اسلامی هیچ مخالفتی با عناصر مترقی فرهنگ غرب مانند قانون‌گرایی، نظم‌پذیری و توجه به محیط زیست نداشته است؛ محل نزاع در دو عرصه بوده است: نخست جایی که غرب تبادل فرهنگی را بستری برای تهاجم فرهنگی قرار داد. مقام معظم رهبری دهه‌ها پیش نسبت به تهاجم فرهنگی غرب هشدار دادند، گرچه برخی آن زمان این موضوع را جدی نگرفتند اما گذر زمان نشان داد که غرب واقعاً به دنبال جریان‌سازی فرهنگی و سلطه بر ذهن و هویت ملت‌هاست. علت آن نیز تلقی برتر پندارانه غرب از فرهنگ خود و بهره‌مندی از ابزار تکنولوژیک برای تسلط فکری و فرهنگی است. چنین استیلایی مقدمه سلطه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی خواهد بود.

■ هدف امریکا از مذاکره تسلیم است

دبیر شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: رئیس جمهور فعلی امریکا با شعار «صلح از طریق قدرت»، در واقع دشمن اصلی استقلال ملت‌هاست. او می‌کوشد قواعد بین‌المللی را برهم زند و قدرت را جایگزین قانون کند. معنای این تفکر آن است که کشورها یا باید تسلیم شوند یا آماده جنگ باشند؛ همان سیاستی که قرن‌هاست غرب دنبال و ترامپ تنها آن را آشکار کرده است. به گفته وی، نتیجه این سیاست، گسترش هرج‌ومرج بین‌المللی است؛ چنان‌که جنگ عراق بدون مجوز شورای امنیت رخ داد و همین مسیر در قبال ایران نیز در پیش گرفته شد. اکنون رژیم صهیونیستی، دست‌پرورده امریکا، همان شعارهای هرج‌ومرج‌طلبانه را تکرار می‌کند. اما تاریخ نشان داده است که هرج‌ومرج در نهایت دامان سازندگان خود را می‌گیرد؛ همان‌گونه که امریکا داعش را ساخت و سپس گرفتار آن شد. لاریجانی با اشاره به جنگ ۱۲ روزه اخیر افزود: قدرت ملت ایران و صلابت نیروهای مسلح، دشمنان را به عقب‌نشینی واداشت و آنان را به سرعت به جمع‌بندی و پایان دادن به جنگ سوق داد. نیروهای مسلح امروز با وجود برخی کاستی‌ها، با قدرت از ملت دفاع می‌کنند. دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به رویکرد فریبکارانه امریکا در مذاکرات گفت: هدف آنان از مذاکره، مصالحه عادلانه نیست، بلکه تسلیم‌سازی است. مگر ایران در حال مذاکره نبود که امریکا هم‌زمان با آن جنگ به راه انداخت؟ آیا ننگی بالاتر از این هست که رئیس جمهور امریکا علناً بگوید «من به ملت ایران کلک زدم»؟ در همان روزهای نخست جنگ، دشمنان با فشار نظامی و تبلیغات گسترده تلاش کردند مردم را ناامید کنند، اما رهبر معظم انقلاب با صلابت و اطمینان، با مردم سخن گفتند و نوید شکست دشمنان را دادند و امروز ملت ایران با تکیه بر استقلال، ایمان و مقاومت، در برابر سلطه‌طلبی غرب ایستاده است.

■ رهبری جنگ را لحظه به لحظه فرماندهی می‌کردند

علی لاریجانی در ادامه سخنان خود اظهار داشت: رهبر معظم انقلاب صحنه جنگ را لحظه‌به‌لحظه کنترل می‌کردند و دستورات لازم را صادر می‌نمودند، به‌گونه‌ای که تقریباً همه وقت ایشان مصروف جنگ و تأمین نیازهای مردم بود. سه روز نخست جنگ از پرحادثه‌ترین روزها بود، اما طراحی فرماندهی کل قوا چنان دقیق و هوشمندانه بود که صحنه نبرد تغییر کرد. فرماندهی ایشان مستقیم، استوار و دقیق بود؛ با تک‌تک فرماندهان میدانی تماس داشتند و چگونگی واکنش‌ها را تدبیر می‌کردند. لاریجانی با اشاره به اینکه تدبیر رهبر معظم انقلاب همه عرصه‌ها را دربر می‌گرفت، گفت: توجه به جنگ، پشت جبهه، تدارکات و به‌ویژه تأمین نیازهای مردم که مبادا در معیشت آنان خللی وارد شود، همگی با راهبری ایشان مدیریت شد. به لطف الهی، این مرد الهی و ملت ایران یاری شدند و صحنه جنگ دگرگون گشت.

■ ایران استقلال خود را معامله نخواهد کرد

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به ضرورت حفظ وحدت ملی گفت: امروز انتظار ملت ایران از سیاستمداران این است که قدر این اراده ملی را بدانند و با مواضع و سخنان غیرضروری، شکاف در صفوف ملت ایجاد نکنند. لاریجانی تصریح کرد: امروز غرب به جای دانایی از قدرت دم می‌زند، در حالی که ایران از فکر هویت ملی و استقلال واقعی سخن می‌گوید. ایران نه سلطه‌طلب است و نه استقلال خود را در معرض معامله قرار می‌دهد؛ حتی اگر به رویارویی تمام‌عیار بینجامد، با قدرت در برابر وحشیگری مدرن خواهد ایستاد. کلید تغییر در دست غرب است؛ اگر از تسلط‌طلبی دست بردارد، شرایط عوض خواهد شد، وگرنه تهدیدات امریکا هرگز اراده ملت ایران را نخواهد شکست.

نمای نزدیک

■ اراده ملت ایران، دشمن را به ستوه آورد

دبیر شورای عالی امنیت ملی، در حاشیه این همایش در جمع خبرنگاران با اشاره به پایداری و توانمندی ملت ایران در برابر فشارهای غرب گفت: شما می‌دانید ایران شاید از نظر عده و عده با غرب مساوی نباشد، اما ملت ایران همچون اسب تازی است؛ توانا، پایدار و اهل تمرین. این ملت، با پشتوانه‌ای کهن و تاریخی، پای آرمان‌ها، استقلال و ارزش‌های خود ایستاده است. کسی نباید با زبان زور با ملت ایران سخن بگوید. زبان گفت‌وگو با ایران، زبان فکر و اندیشه است.

لاریجانی در پاسخ به پرسشی درباره ادعاهای اخیر دونالد ترامپ مبنی بر ضعف و تسلیم‌پذیری ایران اظهار داشت: روایت‌هایی که این روزها شخص ترامپ مطرح می‌کند واقع‌بینانه نیست. درست است که شرایط اقتصادی مردم متفاوت شده، اما ملت ایران می‌دانند که ما همه راه‌های ممکن برای حل مسائل از مسیر دیپلماسی را پیموده‌ایم. پس از جنگ نیز مذاکره با اروپا و غرب برای حل مسائل انجام شد، اما آنها اصرار داشتند برنامه‌هایی مانند «اسنپ‌بک» را عملی کنند و آن را بسیار مهم می‌دانستند. باید از این آزمون‌ها نیز عبور کنیم تا بفهمند از این طریق اهدافشان را عملی کنند. لاریجانی درباره تهدید دبیر کل ناتو گفت: احتیاج به پاسخ ندارد ما با تهدیدات زندگی نمی‌کنیم با واقعیت زندگی می‌کنیم. دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به نقش مردم در مقاومت و ایستادگی افزود: من اتحاد و دوری از اختلافات را مسئله مهم کشور می‌دانم. ملت ایران با اراده‌ای راسخ در برابر فشارها ایستادند و در دوران جنگ ۱۲ روزه نیز دشمن را به ستوه درآوردند. وظیفه سیاستمداران و مسئولان است که قدر این اراده ارزشمند را بدانند و به هر مسئله کوچکی تمسک نکنند و آن را برجسته نکنند. در نظام دموکراتیک وجود اختلاف‌نظر طبیعی است، اما باید سنجید که آیا اکنون زمان برجسته کردن اختلافات است یا رسیدن به وفاق و همبستگی؟ دشمن همواره به‌دنبال تفرقه است و ما باید در مقابل این نقشه بایستیم. وی درباره برخی گمانه‌زنی‌ها پیرامون ارسال پیام از سوی ایران برای لغو تحریم‌ها توضیح داد: امریکایی‌ها می‌گویند پیامی از ایران ارسال شده، اما چنین چیزی صحت ندارد.

یادداشت

تحقیر و تأخیر، پاسخ ایران به امریکا

سیدعبدالله متولیان

کارشناس سیاسی

در لحظه‌ای که جهان در التهاب جنگ‌های نیابتی، فروپاشی نظم امریکایی و خیزش قدرت‌های مستقل به سر می‌برد، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران با بیانیه‌ای تاریخی، نه تنها امریکا را از جایگاه مطالبه‌گر به زیر کشیدند، بلکه با تعیین سه شرط راهبردی، آغاز عصر جدیدی از سیاست خارجی ایران را اعلام کردند: پایان حمایت از رژیم صهیونی، خروج کامل نظامی از منطقه و عدم دخالت در امور منطقه. این موضع، از منظر راهبردی، نه یک واکنش، بلکه یک راهبرد جدید و حمله نرم به قلب ساختار سلطه غرب است.

از پدافند به آفند، تحول در هندسه قدرت ایران:

۱. تحول گفتمانی: از پاسخگویی به مطالبه‌گری: تا پیش از این، ایران در برابر فشارهای امریکا در حوزه‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای، در موضع دفاعی و تبیینی قرار داشت. اکنون، با سخنان رهبر انقلاب، ایران به جای پاسخ به مطالبات امریکا، خود به مطالبه‌گر تبدیل شده است، مطالبه‌ای نه از موضع ضعف، بلکه از موضع قدرت منطقه‌ای و مشروعیت جهانی.

۲. سه شرط راهبردی: پایان سلطه‌گری امریکا: شرط اول: پایان حمایت از رژیم صهیونی، یعنی فروپاشی ستون فقرات سیاست خاورمیانه‌ای امریکا. شرط دوم: جمع کردن همه پایگاه‌ها و خروج کامل نظامی از منطقه، یعنی پایان حضور فیزیکی و روانی امریکا در غرب آسیا. شرط سوم: عدم دخالت در امور منطقه، یعنی پایان اقتدار و هژمون امریکا در منطقه. این شروط، نه تاکتیکی، بلکه راهبردی‌اند، و تحقق آنها به معنای تغییر نظم منطقه‌ای است.

۳. **تحقیر راهبردی امریکا: تأخیر در بررسی همکاری:** رهبر انقلاب تصریح کردند که حتی در صورت تحقق این شروط، همکاری با امریکا «در آینده نزدیک» بررسی نخواهد شد، بلکه «برای بعدها» قابل تأمل است. این موضع، امریکا را از جایگاه قدرت تعیین‌کننده به جایگاه منتظر و بی‌اثر تنزل می‌دهد.

۴. **تحلیل مواضع کلاوسون و مکنزی: تأیید چرخش راهبردی:** پاتریک کلاوسون، تحلیل‌گر مؤسسه واشینگتن، این موضع رهبری را «آغاز مرحله جدید بازدارندگی ایران» دانسته و هشدار داده که واشینگتن باید خود را برای مواجهه‌های متفاوت آماده کند. ژنرال فرانک مکنزی نیز پیش‌تر اذعان کرده بود که ایران توانسته معادلات بازدارندگی را در منطقه تغییر دهد، به‌ویژه از طریق محور مقاومت.

۵. **محور مقاومت: بازوی عملیاتی شروط ایران:** حزب‌الله، انصارالله، حشد شعبی و دیگر گروه‌های مقاومت، نه تنها ابزار دفاعی، بلکه ابزار مطالبه‌گری ایران در برابر امریکا هستند. این محور توانسته حضور امریکا را در عراق، سوریه و خلیج فارس به چالش بکشد و هزینه‌های حضور نظامی را افزایش دهد.

۶. **پایگاه‌های امریکا: نقاط ضعف راهبردی:** امریکا بیش از ۴۰ پایگاه نظامی در منطقه دارد، از قطر و بحرین تا عراق و سوریه. این پایگاه‌ها، در صورت فعال شدن کامل محور مقاومت، به نقاط آسیب‌پذیر و پرهزینه امریکا تبدیل خواهند شد.

راهکارهای عملی برای تحقق شروط رهبری: راهکار اول: تقویت محور مقاومت با حمایت اطلاعاتی، لجستیکی و رسانه‌ای. ایجاد اتاق‌های عملیات مشترک منطقه‌ای برای هماهنگی راهبردی. حمایت از روایت‌سازی رسانه‌ای مقاومت در برابر اشغالگری. راهکار دوم: دیپلماسی آفندی در سازمان‌های بین‌المللی با طرح رسمی خروج امریکا از منطقه در مجامع بین‌المللی با استناد به منشور ملل متحد و تشکیل ائتلاف کشورهای مستقل برای مقابله با حضور نظامی بیگانه. راهکار سوم: اجماع داخلی و تک‌صدایی راهبردی، الزام احزاب و مسئولان به موضع واحد در برابر امریکا و تدوین سند ملی مطالبه‌گری از امریکا با محوریت شروط رهبری. راهکار چهارم: فشار اقتصادی و حقوقی بر رژیم صهیونیستی از طریق حمایت از کمپین‌های جهانی تحریم اسرائیل و پیگیری حقوقی جنایات جنگی در دادگاه‌های بین‌المللی. مواضع اخیر رهبر معظم انقلاب، نه یک سخنرانی معمول، بلکه یک بیانیه راهبردی برای آغاز عصر جدیدی از سیاست خارجی ایران است. این موضع، مسئولان کشور را موظف می‌سازد که از موضع دفاعی خارج شده و با شجاعت، به مطالبه‌گری راهبردی روی آورند. ترس از امریکا باید جای خود را به اعتماد به نفس ملی بدهد. اگر این موضوع به درستی در به افکار عمومی جهانی منعکس شود، همچون بمبی خبری، ساختار تحلیل‌های سنتی درباره ایران را فرو خواهد ریخت. اکنون زمان آن است که ایران، نه تنها در میدان، بلکه در گفتمان جهانی، پرچم‌دار مطالبه‌گری عدالت‌محور باشد.

خبر آخر

نماینده ولی فقیه در سپاه:

مردم برای دفاع از نظام به عرصه آمدند

نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یادواره شهدای جنگ ۱۲ روزه با رژیم غاصب صهیونیستی در ارومیه گفت: دشمنان به خیال خود برای تضعیف ولایتمداری در کشور ما تلاش کردند، آنها می‌خواستند موجی ایجاد کنند تا مردم در مقابل انقلاب بایستند اما دیدند که شوک وارد شد و مردم برای دفاع از نظام به عرصه آمدند.

به گزارش سپاه نیوز، حجت‌الاسلام عبدالله حاجی صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه در یادواره شهدای جنگ ۱۲ روزه با رژیم غاصب صهیونیستی که در حسینیه اعظم ثارالله ارومیه برگزار شد، گفت: ما آمده‌ایم تا بعد از ابلاغ سلام حضرت آقا، از نزدیک سخنان شما را بشنویم. شهدای شما کار خیلی بزرگی کردند، شهیدان همیشه عامل حیات هستند، شهید فقط زنده نیست، زنده کننده است و زنده کننده دین خدا و جبهه حق است، این جنگ ۱۲ روزه و مقاومت و برکت خون شهدا ضربه‌ای به پیکر استکبار زد که در طول انقلاب سابقه ندارد، حتی در دوران دفاع مقدس.

حاجی صادقی خاطرنشان کرد: می‌خواهم این را بدانید که شهدای شما از دست نرفته‌اند، آنها کار بزرگی کردند و خطر و حمله بزرگی را دفع کردند، دشمن می‌خواست با حمله ۲۳ خرداد نتیجه ۴۰ سال مقابله و درگیری با انقلاب اسلامی را بگیرد، آنها فکر می‌کردند که تحریم کردیم، فشار آوردیم و مقاومت مردم را گرفتیم، ۴۰ سال با شبکه‌های رسانه‌ای تلاش کردیم تا ذائقه فرهنگی مردم را عوض کنیم و روحیه بسیجی و انقلابی و ولایتمداری را بشکنیم. دشمنان به خیال خود برای تضعیف ولایتمداری در کشور ما تلاش کردند، آنها می‌خواستند موجی ایجاد کنند تا مردم در مقابل انقلاب بایستند اما دیدند که شوک وارد شد و مردم برای دفاع از نظام به عرصه آمدند. نماینده ولی‌فقیه در سپاه با بیان اینکه رهبر معظم انقلاب نسبت به خانواده شهدا محبت زیادی دارند